«مهم‌ترین کار ما ساختن آدم‌هاست» گفت‌وگو با مسئولان مدرسه‌ی شبانه‌روزی نمونه‌ی دولتی دخترانه‌ی «نسترن»

(مصاحبه: آرمان دلاوری)

مدرسه‌ی «نسترن» کجا و چطور شکل گرفت؟

مدرسه در سال ۱۳۹۶ با ۱۲۰ دانش‌آموز و ۱۸ معلم در ساختمان قدیمی یک کارخانه‌ی نساجی در شهرک صنعتی شماره‌ی ۲ شروع به کار کرد. آن روزها سقف‌ها می‌چکید و بخشی از حیاط پر از آوار بود. ما اول ساختمان را تعمیر کردیم و بعد دانش‌آموز پذیرفتیم. امروز ۴۸۰ دانش‌آموز داریم و ۶۲ معلم. هنوز هم بخشی از کار ناتمام است، اما دیگر شبیه یک کارگاه متروک نیست.

چرا نام «نسترن» را برای مدرسه انتخاب کردید؟

نسترن نام گیاهی است که در شرایط سخت هم سر از خاک بیرون می‌آورد. دختران این مدرسه هم همین‌طورند. بسیاری از آن‌ها مسیر طولانی تا مدرسه را پیاده می‌آمدند، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که یک اتاق بیشتر ندارد و گاهی مسئولیت نان‌آوری خانواده را هم بر دوش دارند. ما می‌خواستیم جایی باشد که این دختران فقط درس نخوانند، بلکه احساس کنند دیده شده‌اند.

شبانه‌روزی بودن مدرسه چه مزیت‌هایی دارد؟

بسیاری از دانش‌آموزان ما از روستاهای دور می‌آیند. اگر مدرسه شبانه‌روزی نباشد، عملاً بخش بزرگی از آن‌ها از تحصیل محروم می‌شوند. شبانه‌روزی بودن به ما فرصت می‌دهد کارهایی انجام دهیم که در ساعت‌های رسمی ممکن نیست: کلاس‌های تقویتی، فعالیت‌های هنری، ورزش و حتی گفت‌وگوهای ساده‌ی عصرگاهی. بسیاری از دختران ما هرگز تا پیش از ورود به مدرسه از شهر خود بیرون نرفته بودند. برای آن‌ها دیدن یک موزه یا یک کتابخانه‌ی بزرگ خودش یک اتفاق است.

برنامه‌ی درسی مدرسه چه تفاوتی با مدارس معمولی دارد؟

ما برنامه‌ی رسمی را کنار نگذاشته‌ایم، اما آن را کافی نمی‌دانیم. علاوه بر دروس مصوب، هر هفته کارگاه‌هایی در زمینه‌ی مهارت‌های زندگی، کار گروهی، تفکر انتقادی و کارآفرینی برگزار می‌کنیم. یکی از پرطرفدارترین کارگاه‌ها «آشپزی و بودجه‌بندی» است. دختری که یاد گرفته با ۱۵۰ هزار تومان برای چند نفر غذا بپزد، دیگر فقط یک دانش‌آموز نیست؛ کمی هم مدیر خانه است.

مهم‌ترین چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بودید چه بود؟

کمبود منابع همیشه بزرگ‌ترین مشکل ما بوده است. در سال‌های اول، نیمی از کتاب‌های کتابخانه را مردم محله اهدا کردند و بسیاری از معلمان هزینه‌ی رفت‌وآمد خود را می‌پرداختند. اما مشکل بزرگ‌تر، نگاه برخی از اطرافیان بود که فکر می‌کردند دختران روستا نباید زیاد درس بخوانند. ما با گفت‌وگو، جلسه با خانواده‌ها و نشان دادن نتیجه‌ی کار، کم‌کم این نگاه را تغییر دادیم.

نتیجه‌ی این تغییر نگاه را چطور می‌بینید؟

در سال تحصیلی گذشته ۱۱۲ دانش‌آموز ما دیپلم گرفتند و ۷۹ نفر از آن‌ها وارد دانشگاه شدند؛ عددی که برای یک مدرسه‌ی دولتی در منطقه‌ی ما قابل توجه است. اما برای من مهم‌تر از عدد، تغییر چشم‌هاست. دختری که سال اول می‌ترسید پشت تریبون حرف بزند، امسال مجری مراسم بود. این تغییر را هیچ آزمونی اندازه نمی‌گیرد، اما همه‌ی ما آن را می‌بینیم.

برای توسعه‌ی مدرسه چه برنامه‌هایی دارید؟

می‌خواهیم خوابگاه دوم را تا مهر ۱۴۰۳ آماده کنیم تا ظرفیت به ۶۰۰ نفر برسد. همچنین قصد داریم یک مرکز مشاوره‌ی تحصیلی برای دختران فارغ‌التحصیل راه بیندازیم تا در انتخاب رشته و ادامه‌ی تحصیل تنها نمانند. بزرگ‌ترین آرزوی ما این است که روزی دختری از همین مدرسه برگردد و معلم همان کلاسی شود که خودش در آن نشسته است. به نظر ما این بهترین نشانه‌ی موفقیت است.

ساخت ۱۲ کتابخانه‌ی عمومی برای دختران روستایی در ۳ شهرستان استان آغاز شد

(مصاحبه: آرمان دلاوری)

چرا تصمیم گرفتید کتابخانه‌ها را فقط برای دختران بسازید؟

در بسیاری از روستاهای استان، دختران نوجوان عملاً هیچ فضای عمومی برای خود ندارند. پسران می‌توانند در زمین فوتبال یا کنار مغازه‌ها جمع شوند، اما دختران بعد از مدرسه یا باید مستقیم به خانه بروند یا زیر نظر خانواده در حیاط بمانند. ما دیدیم که بسیاری از آن‌ها حتی یک کتاب غیردرسی در خانه ندارند. ساختن کتابخانه‌ای که فقط مال آن‌ها باشد، پیام روشنی دارد: این فضا برای شماست و کسی حق ندارد از آن بیرونتان کند.

این کتابخانه‌ها دقیقاً چه امکاناتی خواهند داشت؟

هر کتابخانه حدود ۴ هزار جلد کتاب دارد که بخش بزرگی از آن را خود دختران انتخاب کرده‌اند. علاوه بر کتاب، سالن مطالعه، اتاق کامپیوتر با ۱۰ دستگاه، یک کلاس کوچک برای کارگاه‌های هنری و یک گوشه‌ی بازی برای کودکان همراه مادران پیش‌بینی شده است. ساعت کار هم طوری تنظیم شده که بعد از مدرسه و در عصرها باز باشد. ما نمی‌خواستیم ساختمانی بسازیم که بعد از افتتاح در قفسه‌ها خاک بخورد.

چه کسانی قرار است کتاب‌ها را انتخاب کنند؟

گروهی از دختران نوجوان در هر شهر به‌عنوان «سفیر کتاب» انتخاب شده‌اند و با مشاوران کتابخانه‌ها همکاری می‌کنند. آن‌ها پیشنهاد داده‌اند که چه کتاب‌هایی می‌خواهند و ما تلاش کرده‌ایم بخش بزرگی از درخواست‌ها را تأمین کنیم. حتی برای هر کتابخانه یک صندوق پیشنهاد گذاشته‌ایم که هر ماه باز می‌شود. هدف این است که مسئولان احساس نکنند دارند برای دختران تصمیم می‌گیرند، بلکه با آن‌ها کار کنند.

با چالش‌هایی مثل کمبود نیروی متخصص یا هزینه‌های نگهداری چطور روبه‌رو شده‌اید؟

بله، این چالش‌ها جدی است. برای همین قرارداد همکاری با ۴۰ دانش‌آموز کتابدار داوطلب امضا شده که زیر نظر کتابداران حرفه‌ای کار می‌کنند. هزینه‌های نگهداری هم در بودجه‌ی سالانه‌ی شهرداری‌ها دیده شده است. البته قبول دارم که ساختن ساختمان آسان‌تر از حفظ آن است. به همین دلیل از همین حالا برنامه‌ای برای آموزش نیروهای محلی داریم تا بعد از پایان پروژه، کتابخانه‌ها خاموش نشوند.

اگر دختری در روستایی دورافتاده بخواهد کتاب خاصی بخواند، چه می‌شود؟

برای همین هم سامانه‌ای طراحی شده که دختران می‌توانند نام کتاب مورد نظرشان را ثبت کنند و اگر در کتابخانه‌ی نزدیک نبود، ظرف چند روز از طریق کتابخانه‌های دیگر تأمین شود. ما نمی‌خواهیم کسی به دلیل دوری مسیر از کتاب محروم بماند. در مرحله‌ی بعد هم قصد داریم کتاب‌های الکترونی را به این سامانه اضافه کنیم تا دسترسی آسان‌تر شود.

به نظر شما مهم‌ترین تغییری که این کتابخانه‌ها می‌توانند ایجاد کنند چیست؟

به نظر من مهم‌ترین تغییر این است که دختران یاد بگیرند فضای عمومی متعلق به آن‌هاست و حق دارند در آن حضور داشته باشند. اگر این اتفاق بیفتد، فقط چند کتابخانه نساخته‌ایم، بلکه نسلی از زنان جوان را تربیت کرده‌ایم که در آینده در شوراها، شهرداری‌ها و محیط‌های کاری تصمیم‌گیر خواهند بود. برای ما این مهم‌تر از هر آمار دیگری است.

ساخت ۱۲ کتابخانه‌ی عمومی برای دختران روستایی در ۳ شهرستان استان آغاز شد

(مصاحبه: آرمان دلاوری)

چرا تصمیم گرفتید کتابخانه‌ها را فقط برای دختران بسازید؟

در بسیاری از روستاهای استان، دختران نوجوان عملاً هیچ فضای عمومی برای خود ندارند. پسران می‌توانند در زمین فوتبال یا کنار مغازه‌ها جمع شوند، اما دختران بعد از مدرسه یا باید مستقیم به خانه بروند یا زیر نظر خانواده در حیاط بمانند. ما دیدیم که بسیاری از آن‌ها حتی یک کتاب غیردرسی در خانه ندارند. ساختن کتابخانه‌ای که فقط مال آن‌ها باشد، پیام روشنی دارد: این فضا برای شماست و کسی حق ندارد از آن بیرونتان کند.

این کتابخانه‌ها دقیقاً چه امکاناتی خواهند داشت؟

هر کتابخانه حدود ۴ هزار جلد کتاب دارد که بخش بزرگی از آن را خود دختران انتخاب کرده‌اند. علاوه بر کتاب، سالن مطالعه، اتاق کامپیوتر با ۱۰ دستگاه، یک کلاس کوچک برای کارگاه‌های هنری و یک گوشه‌ی بازی برای کودکان همراه مادران پیش‌بینی شده است. ساعت کار هم طوری تنظیم شده که بعد از مدرسه و در عصرها باز باشد. ما نمی‌خواستیم ساختمانی بسازیم که بعد از افتتاح در قفسه‌ها خاک بخورد.

چه کسانی قرار است کتاب‌ها را انتخاب کنند؟

گروهی از دختران نوجوان در هر شهر به‌عنوان «سفیر کتاب» انتخاب شده‌اند و با مشاوران کتابخانه‌ها همکاری می‌کنند. آن‌ها پیشنهاد داده‌اند که چه کتاب‌هایی می‌خواهند و ما تلاش کرده‌ایم بخش بزرگی از درخواست‌ها را تأمین کنیم. حتی برای هر کتابخانه یک صندوق پیشنهاد گذاشته‌ایم که هر ماه باز می‌شود. هدف این است که مسئولان احساس نکنند دارند برای دختران تصمیم می‌گیرند، بلکه با آن‌ها کار کنند.

با چالش‌هایی مثل کمبود نیروی متخصص یا هزینه‌های نگهداری چطور روبه‌رو شده‌اید؟

بله، این چالش‌ها جدی است. برای همین قرارداد همکاری با ۴۰ دانش‌آموز کتابدار داوطلب امضا شده که زیر نظر کتابداران حرفه‌ای کار می‌کنند. هزینه‌های نگهداری هم در بودجه‌ی سالانه‌ی شهرداری‌ها دیده شده است. البته قبول دارم که ساختن ساختمان آسان‌تر از حفظ آن است. به همین دلیل از همین حالا برنامه‌ای برای آموزش نیروهای محلی داریم تا بعد از پایان پروژه، کتابخانه‌ها خاموش نشوند.

اگر دختری در روستایی دورافتاده بخواهد کتاب خاصی بخواند، چه می‌شود؟

برای همین هم سامانه‌ای طراحی شده که دختران می‌توانند نام کتاب مورد نظرشان را ثبت کنند و اگر در کتابخانه‌ی نزدیک نبود، ظرف چند روز از طریق کتابخانه‌های دیگر تأمین شود. ما نمی‌خواهیم کسی به دلیل دوری مسیر از کتاب محروم بماند. در مرحله‌ی بعد هم قصد داریم کتاب‌های الکترونی را به این سامانه اضافه کنیم تا دسترسی آسان‌تر شود.

به نظر شما مهم‌ترین تغییری که این کتابخانه‌ها می‌توانند ایجاد کنند چیست؟

به نظر من مهم‌ترین تغییر این است که دختران یاد بگیرند فضای عمومی متعلق به آن‌هاست و حق دارند در آن حضور داشته باشند. اگر این اتفاق بیفتد، فقط چند کتابخانه نساخته‌ایم، بلکه نسلی از زنان جوان را تربیت کرده‌ایم که در آینده در شوراها، شهرداری‌ها و محیط‌های کاری تصمیم‌گیر خواهند بود. برای ما این مهم‌تر از هر آمار دیگری است.